



An Analysis of the Role of Interaction in Relearning Social Behaviors Based on Religious Teachings; with Emphasis on the Modeling Method

Mohammad Fooladi Vanda*

Abstract

This study, using a theoretical, analytical approach and document analysis, examines the role of interaction through modeling in relearning social behaviors based on religious teachings. Islam emphasizes the priority of ethics over all matters and bases the mission of the Prophet of Islam on it. In an Islamic society, the goals of the educational system focus on the growth of values and moral virtues, based on faith in God, the education of committed individuals, and the strengthening of brotherhood and other moral and social values. The findings of the study indicate that the modeling method in Islamic education and interaction with enduring models in society leads to the flourishing of innate talents, self-awareness, the pursuit of perfection, the love of beauty, freedom, independence, and the formation of an individual's character through modeling, model presentation, and model elimination. In Islam, modeling and model presentation are positive methods, while model elimination is a form of negative education. In the positive method, the principle is "preparation and encouragement," while the negative approach focuses on extracting and uncovering the audience's inner content through the removal and elimination of obstacles to growth, with the aim of nurturing the individual's latent potential. In the first method, by highlighting the positive characteristics of models, a kind of attraction and affection is created, and in model elimination, by highlighting negative characteristics, a kind of aversion is created in the individual. Therefore, in religious teachings, unlike Sutherland's and Kersey's theories, in addition to model elimination and the recommendation to avoid associating with bad friends, there is an emphasis on presenting pure models and modeling and providing guidance for associating with worthy companions and friends in the relearning of social behaviors.

Keywords

interaction, modeling method, model creation, model presentation, model elimination, relearning behavior.

* Associate Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. fooladi@iki.ac.ir

تحلیلی از نقش معاشرت در بازآموزی رفتارهای اجتماعی براساس آموزه‌های دینی (با تأکید بر شیوه الگویی)

محمد فولادی و ندا*

چکیده

دین اسلام بر اولویت اخلاق در همه امور تأکید دارد و رسالت پیامبر اسلام را بر آن مبتنی می‌کند. نظام تربیتی اسلامی بر رشد ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، براساس ایمان به خدا، تربیت افراد متعهد، تحکیم برادری و دیگر ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد. پژوهش حاضر، رویکرد نظری تحلیلی دارد و از نوع بررسی‌های اسنادی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که روش الگویی در تربیت اسلامی و معاشرت با الگوهای ماندگار در جامعه موجب شکوفایی استعدادها و فطری، خودشناسی، کمال‌خواهی، زیبایی‌جویی، آزادی، استقلال‌طلبی و شکل‌گیری شخصیت فرد به شیوه الگوپردازی، الگودهی و الگوزدایی می‌شود. در اسلام، الگوپردازی و الگودهی به شیوه ایجابی است و الگوزدایی، گونه‌ای از تربیت سلبی است. در شیوه ایجابی، اصل بر «آماده‌سازی و رغبت‌انگیزی» است؛ اما رویکرد سلبی بر استخراج و استکشاف درون‌مایه‌های مخاطب از طریق پیرایش و زدایش

* دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی (عج)، قم، ایران.



References

١. *The Holy Quran*.
٢. *Nahj al-Balagha*, translated by Mohammad Dashti.
٣. Amini, Ebrahim (١٩٩٢). "Education with Model Method". *Peyvand*, No. ١٦١, p. ١٨-٢٥.
٤. Cooperation office of the field and university (n. d). *sociology of group therapy methods (booklet)*. Qom: cooperation office of the field and university.
٥. DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R., Sionean, C., Cobb B. K., Harington, K., Davies, S., Hook, E. W. & Oh M. K. (٢٠٠١). "Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors". *Pediatrics*, ١٠٧(٦), p. ١٣٦٣-١٣٦٨.
٦. Foladi, Mohammad (٢٠٠٣). *Investigation of the amount and socio-economic factors related to theft among the youth of Qom*. Qom: Management and Planning Organization.
٧. Han, Y., Grogan-Kaylor, A., Bares, C., Ma, J., Castillo, M. & Delva, J. (٢٠١٢). "Relationship between discordance in parental monitoring and behavioral problems among Chilean adolescents". *Children and Youth Services Review*, ٣٤, p. ٧٨٢-٧٨٩.
٨. Hendi, Hessem al-Din (١٤٠٩ AH). *Kanza al-Umal fi Sunan al-Aqwal va al-Afal*. Beirut: al-Rasalah School.
٩. Imam Sadiq (١٩٩٨). *Misbah al-Sharia*. Beirut: al-Alami Institute Lelmatbuat.
١٠. Khodadadi Sengdeh, Javad, Khodabakhsh Ahmadi, Ali Mohammad Nazari (٢٠٠٣). "Risky driving: an interactive model of parental role and association with deviant peers in teenagers from military families". *Military Psychology*, ٣th year, No. ١٢, winter, p. ٦١-٧٠.
١١. Koleini Razi, Muhammad bin Yaqoob (١٩٨٦). *al-Kafi*. Edition. ٤. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
١٢. Koleini, Mohammad bin Yaqub (١٩٩٤). *Usul Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
١٣. Majlesi, Mohammad Baqir (١٤٠٤ AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: al-Wafa Institute.
١٤. Makarem Shirazi, Nasser (١٩٩٤). *Translation of the Qur'an*. Edition ٢. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
١٥. Mehdiannar, Reza (٢٠٢٢). "The method of de-patterning negative figures in education from the perspective of the Qur'an". *Qur'an and Science*, Autumn and Winter, Vol. ٣١, p. ٥٨-٧٥.
١٦. Mohsenian Rad, Mahdi (٢٠٠٥). *Communication*. ٣th Edition. Tehran: Soroush.
١٧. Nouri Tabarsi (١٤٠٨ AH). *Mustadrak al-Wasa'el wa Mustanbat al-Masa'el*. Qom: Al al-Bayt Le Ehia al-Torath Institute.
١٨. Ravak, Amir (٢٠٢١). "Examining the effectiveness of the model method in the religious education of young people from the perspective of Quran and Hadith". *Islamic Research and Studies*, third year, No. ٢٩, p. ٧٢-٨٣.
١٩. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Babawieh Qomi (١٩٨٥). *al-Amali*. Edition ٤. Qom: Islamic Library Publications.
٢٠. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Babawieh Qomi (١٤٠٣ AH). *al-Khesal*. second Edition. Qom: Jamia Modaresin Publications.
٢١. Saif, Ali Akbar (١٩٩١). *Educational Psychology*. Tehran: Aghah.
٢٢. Sakhawat, Jafar (١٩٩٧). *sociologist of social deviations*, Edition ٤. Tehran: Payam Noor University.
٢٣. Salimi, Ali and others (٢٠١٨). *Companionship and deviance*. Qom: Hozha and University Research Institute.
٢٤. Tabarsi, Hassan bin Fazl (١٤١٢ AH). *Makaram al-Akhlaq*. correction and adaptation by Sheikh Mahmoud Borujerdi. Qom: Sharif Razi Publishing House.
٢٥. Tamimi Amedi, Abdul Wahid bin Muhammad (١٤٠٨ AH). *Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*. Qom: Islamic Propaganda Office.
٢٦. Voled, Crime and others (٢٠١٩). *theoretical criminology: a review of criminological theories*. translated by Ali Shojaei, Tehran: SAMT.
٢٧. White, Robert and Fiona Haines (٢٠١٥). *Deviance and Social Control Collection (Second book): Crime and Criminology*. translated by Ali Salimi. Qom: Hozha and University Research Institute.
٢٨. Yan, Robertson (١٩٩٣). *An introduction to society*. translated by Hossein Behravan. Mashhad: Astan Quds Razavi.

موانع راه رشد، با هدف شکوفاسازی قابلیت‌های نهفته فرد استوار است. در شیوه نخست، با بیان ویژگی‌های مثبت الگوها، نوعی جذب، انجذاب و دلدادگی و در الگوزدایی، با بیان ویژگی‌های منفی، نوعی دلزدگی در فرد ایجاد می‌شود. بنابراین، در آموزه‌های دینی برخلاف نظریه ساترلند و کرسی، افزون‌بر الگوزدایی و توصیه به اجتناب از معاشرت با دوستان ناباب، بر ارائه الگوهای ناب و الگوپردازی و الگودهی در بازآموزی رفتارهای اجتماعی تأکید شده است.

کلیدواژه‌ها

معاشرت، شیوه الگویی، الگوپردازی، الگودهی، الگوزدایی، بازآموزی رفتار.

مقدمه

زندگی جمعی و زیست اجتماعی، با ارتباطات اجتماعی عجین شده و از این رهگذر، امکان رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی که هدف غایی حیات انسانی است، فراهم می‌شود. طبیعی است تحقق این هدف در گرو روابط اجتماعی در چارچوب قواعد متناسب اجتماعی و اخلاقی است.

هر جامعه متناسب با اهداف کلان اجتماعی و مبتنی بر چارچوب معرفتی زیست اجتماعی، نظام ارزشی خاص قوام‌بخش روابط اجتماعی را تعریف می‌کند و افراد را در همین چارچوب و در جهت تحقق آمال خود، به شیوه‌های خاص جامعه‌پذیر می‌سازد. در واقع، ما انسان‌ها در تلاش دائم برای رشد و دستیابی به کمال، با هم‌نوعان خود رابطه برقرار می‌کنیم و در پرتو این روابط، قواعد و مقررات اجتماعی، اخلاقی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، باید‌ها و نباید‌های اجتماعی را یاد گرفته، درونی و نهادینه می‌سازیم.

بنابراین، معاشرت و روابط سازنده با دیگران، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی، روانی و اجتماعی آدمیان است. انسان در معاشرت با دیگران می‌تواند



ظرفیت‌های وجودی خود را شکوفا ساخته، خود را بهتر بشناسد و ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود را دریابد. خانواده (یعنی والدین، فرزندان و اقوام نزدیک) نخستین گروهی است که معاشرت با آنان، بستر شکوفایی استعدادها و فطری کودکان را مهیا می‌کند.

سپس، هم‌سالان، همسایگان، دوستان، معلمان و... در ادامه، شهروندان، محیط‌های، رسانه‌های ارتباط جمعی و... در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیر فراوان دارند. در پرتو همین روابط اجتماعی، اهمیت و جایگاه ویژه آداب معاشرت در اخلاق نمایان می‌شود. بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی، در ظرف معاشرت ظهور می‌یابند. ظرف بروز و ظهور فضایی همچون ایثار، گذشت، عدالت، انصاف، احسان، انفاق، صدقه، تواضع، امانت‌داری، صداقت، عفت و حجاب، و رذایلی همچون خودخواهی، بی‌عدالتی، ظلم، حق‌کشی، خیانت، دروغ، بی‌حیایی، بی‌عفتی و بی‌بندوباری، زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران است؛ زیرا در معاشرت با دیگران و ضمن روابط اجتماعی، یادگیری رفتارهای اجتماعی به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد.

در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است (سیف، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲)؛ چراکه یادگیری، اساس رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد و یادگیری‌های غیرمستقیم، ضمنی و مشاهده‌ای، پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها به شمار می‌آیند.

در این میان، مهم‌ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است. یادگیری مشاهده‌ای، الگو و سرمشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق، به تقلید از رفتار او می‌پردازد. دوره نوجوانی، دوره‌ای است که فرد، کودکی را پشت‌سر می‌گذارد و وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شود؛ ارتباط او با اعضای خانواده به تدریج کمتر می‌شود و در اجتماع و مدرسه، با معاشرت با دوستان، زندگی جدیدی را آغاز می‌کند. در این مقطع، عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و





خانوادگی، نقش چشمگیری در یادگیری انواع رفتارها دارد. مطالعات علوم رفتاری در یادگیری رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب، بر نقش منابع اصلی نظیر خانواده و همسالان تأکید دارند (DiClemente et al., 2001). امروزه عوامل مرتبط با خانواده و معاشرت با دوستان، بیشترین تأثیر را در بروز این قبیل رفتارها در نوجوانان دارند. از بین عوامل خانوادگی، نظارت والدین و از بین عوامل اجتماعی، معاشرت و هم‌نشینی با همسالان به‌عنوان عوامل عمده‌گرایش نوجوانان به رفتارهای مخاطره‌آمیز شناخته شده‌اند (Han et al., 2012).

نظارت والدین را می‌توان آگاهی آنان از اینکه نوجوانشان در زمان‌هایی که با آنان نیستند، کجا به سر می‌برد، با چه کسانی معاشرت دارد و اوقاتش را چگونه سپری می‌کند، تعریف کرد. بین نظارت‌های والدین و کاهش مشکلات بیرونی نوجوانان، رابطه مستقیم وجود دارد. در واقع، سطح نظارت والدین، عامل مهم کنترلی برای مشکلات رفتاری بیرونی نوجوانان به شمار می‌رود. نظارت بیشتر والدین بر رفت و آمدهای فرزندانشان، با پرهیز از تخلفات و کاهش رفتارهای پرخطر رابطه دارد (ر.ک: خدادادی سنگده، احمدی و نظری، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

در مرحله نوجوانی، فرد از خانواده به‌سوی جامعه کشیده می‌شود و معاشرت او با همسالان اهمیت زیادی می‌یابد. معاشرت، دوست‌یابی و همانندی با همسالان و الگوگیری از آنها، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی و اقتصادی، عاملی مهم در بروز رفتارهای پرخطر و ناهنجاری‌های رفتاری است. ضعف نظارت والدین از عواملی است که می‌تواند معاشرت با دوستان منحرف و مبادرت به رفتارهای مخاطره‌آمیز را در نوجوانان تسریع کند.

البته معاشرت با همسالان، نقش نظارت والدین بر رفتارهای نامطلوب نوجوانان را تعدیل می‌کند. انتخاب دوست و هم‌نشین در جامعه و نقش آن در زندگی، از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت علی علیه السلام ناتوانی از دوست‌یابی را نشانه عجز انسان و از دست دادن دوست را ناتوانی بیشتر تعبیر می‌کند: «عجز الناس عن اكتساب



الاحوان و اعجز منه من ضیع من ظفر به منهم؛ ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر، آن‌که دوستان خود را از دست بدهد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲). در جایی دیگر، آن حضرت، معیار شناخت هر کس را دوست او می‌داند: «فان الصاحب معتبر بصاحبه؛ هر کس را به دوستش می‌شناسند» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

بنابراین، پس از خانواده، معلمان و دوستان بیشترین نقش را در تربیت افراد ایفا می‌کنند. تربیت، به معنای شکوفاسازی استعدادها و نهفته در آدمی و یادگیری ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای مقبول و حاکم بر جامعه نظیر راست‌گویی، درست‌کاری، حفظ حرمت اموال و احترام به مالکیت دیگران و پایبندی به آن‌هاست. در واقع، هم‌نوایی و سازگاری یا ناهم‌نوایی و ناسازگاری و نیز هدایت و سعادت یا گمراهی و ضلالت افراد جامعه به پایبندی یا ناپایبندی آنان به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی وابسته است. این امر در گرو تربیت اجتماعی و تأثیرگذاری دو عامل مهم خانواده و دوستان است؛ چراکه یادگیری رفتارها از طریق معاشرت با دیگران و به شیوه الگویی رخ می‌دهد.

روش تربیت الگویی، یکی از روش‌های «فراگیر» و بسیار «مؤثر» در تربیت است؛ فراگیر بدان دلیل که در تمام امور و ساحت‌های زندگی کاربرد دارد و مؤثر چون محتوای تربیتی را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد. در این شیوه، از فرد یا افرادی که دارای رفتار مطلوب هستند، به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌شود. الگو در معرض مشاهده فرد قرار می‌گیرد تا از رفتار او پیروی و خود را با او هم‌سان کند (امینی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).

یادگیری رفتار در این شیوه، غیرمستقیم و به صورت عملی است. تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان، امری طبیعی است و از غریزه تقلید سرچشمه می‌گیرد. غریزه تقلید از عمیق‌ترین، ریشه‌دارترین و سودمندترین غرایزی است که در سرشت انسان‌ها به ودیعت نهاده شده است. این غریزه موجب می‌شود کودک یا نوجوان

خود را با موقعیت‌های گوناگون زندگی و روابط و معاشرت با دیگران هم‌سو و هماهنگ سازد.

تربیت به شیوه‌الگویی، «روش‌الگویی» نام دارد و در قالب‌الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی قابل اجراست. هرچند دو شیوه‌نخست، پرکاربرد و ایجابی است؛ اما در آیات قرآن، شیوه‌ سوم تربیتی نیز مطرح است. شیوه‌الگوزدایی، از گونه‌های روش تربیت سلبی (در برابر روش ایجابی) است که در آن، اصل «آماده‌سازی و رغبت‌انگیزی» بیشتر مورد توجه است؛ چنان‌که جهت‌گیری اصلی راهبرد سلبی، روش‌های «اکتشافی» (به‌جای اکتسابی) یا «پرهیز» (به‌جای تجویز) است؛ زیرا در روش سلبی و راهبرد پرهیز، از هرگونه تحمیل و تجویز ارزش‌ها از بیرون خودداری می‌شود. این شیوه بر استخراج و استکشاف درون‌مایه‌های مخاطب از طریق پیرایش و زدایش موانع راه‌رشد، به قصد شکوفاشدن و آشکار کردن قابلیت‌های نهفته‌ او استوار است (مه‌دی‌ان‌فر، ۱۴۰۱، ص ۵۸).

در شیوه‌الگویی (الگودهی، الگوپردازی)، با بیان ویژگی‌های مثبت الگوها، نوعی جذب، انجذاب و دل‌دادگی و در الگوزدایی، با بیان ویژگی‌های منفی، نوعی دل‌زدگی در فرد ایجاد می‌شود. این نوع یادگیری و تربیت اجتماعی و اخلاقی، با سازکار معاشرت با دیگران، موجب بازآموزی رفتارهای اجتماعی می‌شود.

اجمالاً در تعاریف مربوط به ارتباط، تعامل و معاشرت، در پاسخ به اینکه «ارتباط چیست؟»، آن را فراگرد، جریان، روش، عمل، سازکار، کارکرد و هرچیزی که انسان انجام دهد، تلقی کرده‌اند. در اینکه «در ارتباط چه چیزی منتقل می‌شود؟» در تعاریف، مواردی چون اطلاعات، محرک، علائم، معنی، مظاهر فکری، پیام، ایده‌ها، افکار و مهارت‌ها و تمام رفتارهای انسانی ذکر شده است. در پاسخ به اینکه «شرط برقراری و تأثیرگذاری ارتباط چیست؟»، اقناع، اشتراک فکر، پذیرش تأثیر، تأثیرگذاری بر دیگری، تغییر رفتار، جست‌وجو برای پاسخ، درک عمل، داشتن



علائم مشابه، درک معنی، ارسال علائم، همانندی تجربه و انتقال معنی آمده است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش این است که معاشرت با دیگران به شیوه الگویی، چه نقشی در شکل‌گیری شخصیت و بازآموزی رفتارهای اجتماعی افراد از منظر قرآن و منابع روایی دارد و از طریق چه سازکاری این تأثیرپذیری صورت می‌گیرد؟ بدین منظور، با انتخاب چارچوب نظری تحلیل به واکاوی نقش معاشرت در آموزه‌های دینی، در بازآموزی رفتارهای اجتماعی می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

پژوهشی با هدف و رویکرد این مقاله یافت نشد؛ اما مقاله‌های زیر به‌عنوان پیشینه این پژوهش قابل طرح هستند:

- مهدیان‌فر (۱۴۰۱) در مقاله «شیوه‌الگوزدایی از چهره‌های منفی در تربیت از نگاه قرآن»، به گونه‌شناسی تربیت الگویی و تحلیلی از الگوزدایی و ویژگی‌های منفی آن در قرآن پرداخته است؛

- خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «رانندگی پرخطر: مدل تعاملی نقش والدینی و هم‌نشینی با هم‌سالان منحرف در نوجوانان خانواده‌های نظامی»، به مبحث رانندگی پرخطر نوجوانان و نقش معاشرت و تعامل والدین با آنان در کاهش مخاطرات این گونه رفتارها پرداخته‌اند؛

- رستمی‌زاده (۱۳۸۲) در مقاله «الگوهای تربیتی در قرآن»، گونه‌های تربیت الگویی را طرح و آن‌ها را از منظر روش‌شناسی بررسی کرده است؛

- امینی (۱۳۷۱) در مقاله «تربیت با روش الگویی»، نریمانی (۱۳۹۵) در مقاله

«روش الگویی در تربیت اسلامی» و راوک (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی اثربخشی روش الگویی در تربیت دینی جوانان از منظر قرآن و حدیث»، این شیوه تربیتی را معرفی



کرده‌اند. البته راوک به تبیین مبانی انسان‌شناسی روش الگویی از جمله بیدارسازی ظرفیت‌ها و ویژگی‌های فطری نیز پرداخته است.

دیگر مقاله‌ها نیز عمدتاً مشابه همین موارد هستند و غالباً شرح و بسط و تبیینی از شیوه الگویی در تربیت دینی ارائه داده‌اند. این پژوهش تلاش دارد با رویکرد جامعه‌شناختی و اخلاقی، نقش معاشرت و هم‌نشینی را در جامعه‌پذیری و پذیرش هنجارهای دینی و اخلاقی و بازآموزی رفتارهای اجتماعی، از منظر قرآن و منابع روایی بیان کند.

چارچوب نظری تحلیل

تربیت و رشد اخلاقی، پایه و اساس جامعه سالم، و بقای خوشبختی انسان‌ها در گرو پایبندی به اصول اخلاقی اسلامی است.

دین اسلام، بر اولویت اخلاق بر همه امور تأکید دارد و پیامبر گرامی اسلام، مهم‌ترین رسالت خود را تکمیل اخلاق می‌داند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸۷).

افزون بر این، بررسی اهداف نظام تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی نشان می‌دهد رشد فضایل اخلاقی، براساس ایمان به خدای توانا، تربیت افراد متعهد و آگاه، ایجاد روحیه مشارکت توسعه و تحکیم برادری، احترام به قانون و ایجاد عادات مطلوب، از اهداف معنوی، فرهنگی و اجتماعی ما محسوب می‌گردد.

روش الگویی در تعلیم و تربیت اسلامی بر نقش معاشرت و هم‌نشینی با الگودهی ماندگار در جامعه، یادگیری و شکوفاسازی فطرت مستعد و الگوپذیر، خودشناسی، کمال‌خواهی، زیبایی‌جویی و آزادی و استقلال طلبی تأکید دارد. ضرورت الگوسازی برای رفتارهای عملی در دین اسلام تاجایی است که خداوند هم‌زمان با عرضه قرآن، حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را الگویی عملی و تربیت‌یافته دین و دارای



اخلاق و کردار مطابق با آیین اسلام معرفی می‌کند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب، ۲۱).

نخستین گام در تربیت اخلاقی، خودشناسی و شناخت استعدادها و ظرفیت‌های فطری آدمی است؛ زیرا خودشناسی لازمه کمال‌شناسی و کمال‌جویی است. تنها کسانی به مقام برتر انسانی دست می‌یابند که واقعیت‌های نفسانی خود را بشناسند. اولین و نزدیک‌ترین واقعیت زندگی، واقعیت «خود» است که در درون آن، بزرگ‌ترین واقعیت‌ها و حقایق تجلی می‌یابد (راوک، ۱۴۰۰، ص ۷۲).

امام علی علیه السلام در اهمیت شناخت خود می‌فرماید: «أفضل المعرفة معرفة الإنسان نفسه؛ برترین شناخت‌ها، شناخت انسان از نفس خویش است» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸۹).

آنچه در روابط اجتماعی و معاشرت‌ها و هم‌نشینی‌ها اهمیت دارد، توجه به این شناخت و شکوفاسازی این‌گونه ظرفیت‌های وجودی است.

در تحلیلی علمی از نقش معاشرت در بازآموزی رفتارهای اجتماعی، نظریه هم‌نشینی افتراقی ساترلند و کرسی به نقش بسزای گروه هم‌سالان و معاشرت با هم‌نشینان تأکید دارد. گروه هم‌سالان و دوستان، الگوهای مورد قبول فرد در شیوه گفتار، رفتار و اندیشیدن هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و هم‌سالانش باشد و با آن‌ها ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر است هنجارها و ارزش‌های آنان را بپذیرد.

در غیر این صورت، از آن جمع طرد می‌شود؛ از این‌رو، هر کس به شدت از گروه هم‌سالان متأثر است؛ به گونه‌ای که اگر بنا باشد تغییری در رفتار فرد ایجاد شود، یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد.

تأثیر گروه هم‌سالان، هم‌فکران، همکاران و دوستان و معاشرت با آنان در رشد شخصیت افراد، کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چراکه پس از محیط خانواده، فرد



منحصراً زیر نفوذ این گروه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، اگر فردی با گروهی از سارقان و معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می‌گیرد و سارق یا معتاد می‌شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش فرد در یک گروه و جمع، پذیرفتن رفتار و فرهنگ آنان است و از سوی دیگر، برای نمونه، سارقان علاقه‌مندند سرقت را دسته‌جمعی و با هم‌فکری انجام دهند تا هم سرقت را بدون عیب و نقص انجام دهند و هم از شدت سرزنش اجتماع بر خود بکاهند؛ از این رو، سارقان سعی می‌کنند دوستان و هم‌سالان خود را به جرگه خود بکشند.

در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت صحیح خانوادگی و اسلامی محروم باشد و خانواده‌اش نظارت کافی بر او نداشته و او را از مضرات اعمال انحرافی مطلع نکرده باشند و در چنین محیطی زندگی کند و با دوستان سارق نیز سروکار داشته باشد، احتمال اینکه سارق شود زیاد است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بی‌تا، ص ۵).

در این تحلیل، یادگیری رفتار مجرمانه به عوامل دیگری نیز بستگی دارد؛ این عوامل عبارت‌اند از: ۱. شدت تماس با دیگران؛ ۲. سن زمان تماس؛ ۳. میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با هم‌نوایان (یان، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰؛ ولد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳؛ سلیمی و دیگران، ۱۳۸۸؛ وایت و هینز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

بر اساس نظریه پیوند افتراقی، نزدیکان، دوستان و هم‌سالان بزهکار و معاشرت با آنان، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری و تقویت نگرش بزهکارانه دارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. این نظریه، محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او، از جنبه رابطه‌اش با خانواده، محله و رفتار دوستانش در نظر می‌گیرد.

در واقع، از نظر ساترلند، زمانی انحراف از هنجارهای مقبول جامعه و جرم پدید می‌آید که شخص با افرادی که رفتارهای موافق با بزهکاری را توجیه می‌کنند،



ارتباط پیدا کند و از کسانی که به ارزش‌های موافق درست کاری ارجح می‌نهد، دور بیفتد (سخاوت، ۱۳۷۶، ص ۵۳).

بررسی و نقد

در تحلیل نقش معاشرت در انتقال رفتارهای اجتماعی، هرچند نظریه افتراقی ساترلند و کرسی در این زمینه تا حدی مناسب است، اما بدان دلیل که نظارت، کنترل و حمایت خانواده و وابستگی مثبت کودک، نوجوان و جوان به والدین و نیز نقش مثبت معاشرت و هم‌نشینی با الگوهای مثبت را نادیده می‌گیرد، ناتمام است. این در حالی است که نظارت، کنترل و حمایت خانواده و وابستگی مثبت می‌تواند تأثیر منفی معاشرت با الگوهای بزهکارانه دوستان، هم‌سالان و اطرافیان را خنثی کند. در واقع، این نظریه فقط به نقش دوستان و اطرافیان و نقش آنان در بزهکاری فرد تأکید دارد و از دیگر عوامل غافل مانده است.

در صورتی که طبق منابع دینی، معاشرت می‌تواند نقش مهمی در شقاوت یا سعادت انسان داشته باشد. اما درباره فرایند تأثیرگذاری معاشرت در بازآموزی رفتارهای اجتماعی و تربیت اخلاقی باید گفت در پیدایش هر رفتاری، عوامل بسیاری مؤثر است؛ یکی از این عوامل مهم، معاشرت است که از طریق شیوه الگویی، رفتار را به دیگری منتقل می‌کند؛ برای نمونه، اگر فرد با دوستان ناباب معاشرت داشته باشد و برای سرگرمی و تفریح، به رفتار بزهکارانه دست بزند؛ کم‌کم زمینه سوق یافتن او به بزهکاری فراهم می‌شود. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این مسیر است.

افراد بزهکار کسانی هستند که همه زمینه‌ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهم‌ترین عامل در انحراف و ارتکاب عمل نابهنجار، معاشرت با کسی است که موجب سوق یافتن فرد به سمت بزهکاری می‌شود؛ چراکه فردی که می‌خواهد اولین بار به بزهکاری دست بزند، نیازمند کسی است که او را در این کار



راهنمایی کند. دقیقاً همین دلیل و همین فرایند در تأثیرپذیری از رفتارها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مثبت و بهنجار نیز مطرح است. دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه سوق یافتن وی را به رفتارهای اجتماعی مورد نظر فراهم می‌آورد. فقر در خانواده، تأمین نشدن نیازهای اساسی خانواده، ضعف نظارت والدین، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوردن فرد به رفتار نابهنجار و انحرافی است (ر.ک: فولادی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰).

افزون بر تأثیرگذاری مثبت معاشرت با افراد، امکانات و شرایط و نظارت والدین، باید به اراده فرد نیز توجه داشت که در این نظریه مغفول مانده است؛ زیرا اراده فرد در انجام یک رفتار، تعیین کننده است و تأثیرپذیری از دیگران برای ارتکاب جرم و انجام رفتار ناپسند، ناشی از ضعف اراده است. به عبارت دیگر، افراد به سبب سستی اراده و ضعف ایمان، با هر گروهی که ارتباط پیدا می‌کنند، از آنان متأثر می‌شوند. بنابراین، اراده فرد در انتخاب راه، نقش حیاتی و مهمی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که با وجود تأثیر معاشرت بر فرد، عامل تعیین کننده نهایی خواست، تمایل و انتخاب مسیر توسط خود فرد است. در منابع دینی، به ویژه در قرآن، کسانی که در توجیه اعمال مجرمانه خویش، دوستان ناباب، کج‌رو، منحرف یا پدران خویش را مقصر می‌پندارند، به شدت توبیخ و سرزنش شده‌اند: «روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گزد [و] می‌گوید:... ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. او مرا به گمراهی کشانید» (فرقان، ۲۸-۲۹).

بنابراین، این نظریه در تحلیل یادگیری و بازآموزی رفتارهای اجتماعی، ناتمام است؛ زیرا تأکید عمده آن بر بازآموزی رفتارهای انحرافی و در واقع، بیانگر نقش افراد کج‌رو در انتقال رفتار هنجارشکنانه است.

در حالی که همین فرایند در ارتباط و معاشرت با هم‌نشینان راست‌رو و خوب و انتقال رفتار بهنجار نیز صادق است. به عبارت دیگر، این گونه نیست که افراد همواره با هنجارشکنان، افراد ناهم‌نوا و ناسازگار معاشرت و ارتباط داشته باشند. هر کس



ممکن است هم با افراد عادی و هم با افراد کج‌رو هم‌نشینی و معاشرت داشته باشد و اینکه در یادگیری و بازآموزی رفتارهای اجتماعی و اخلاقی از کدام‌یک تأثیر پذیرد، به پیشینه‌ی درست یا نادرست تربیتی او و البته روابط و معاشرت و نظارت درست یا نادرست والدینش بستگی دارد.

بنابراین، جلوه‌ای از این واقعیت معاشرت را می‌توان در سرنوشت نوجوانی مشاهده کرد که در پی هم‌نشینی و معاشرت با خوبان، فردی مفید و مثبت برای جامعه می‌شود و به‌خاطر ارتباط با افراد کج‌رو و با شکستن قبح رفتار ناپسند، به زندان می‌افتد و با حضور در جمع نوجوانان بزه‌کار، در نهایت، به مجرمی حرفه‌ای تبدیل می‌شود.

البته چون هزینه‌های اجتماعی، اخلاقی و... رفتارهای مجرمانه در جامعه اسلامی بسیار سنگین است، نقش شیوه‌الگویی در یادگیری رفتارهای اجتماعی و معاشرت با «خوبان» بسیار برجسته است.

بازنمایی معاشرت در آموزه‌های دینی به شیوه‌الگویی

در واکاوی نقش و تأثیر معاشرت با دوستان، اطرافیان و هم‌نشینان در انتقال و یادگیری رفتار، در منابع دینی و روایی مطالب فراوانی وجود دارد. در این منابع، همان‌گونه که معاشرت با دوستان و هم‌نشینان بد موجب انحراف از هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی می‌شود، معاشرت با هم‌نشینان خوب، مایه آسودگی و آرامش شمرده شده است؛ از این رو، این مبحث را در دو عرصه بیان خواهیم کرد: معاشرت با الگوهای شایسته و مثبت و معاشرت الگوهای کاذب و منفی. در این باره، در سخنان پیامبر ﷺ آمده است: «المرء علی دین أخیه؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵، ح ۳).

به عبارت دیگر، در آموزه‌های دینی معاشرت با هم‌نشینان خوب، تأثیر مثبت بر افراد دارد و آنان را قرین سعادت می‌کند و معاشرت با هم‌نشینان بد، تأثیر منفی بر





افراد دارد و آنان را سردرگم می‌کند و از مسیر هدایت به سوی ضلالت سوق می‌دهد. بنابراین، معاشرت بسترساز بازآموزی و انتقال رفتارهای اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی است.

به نظر می‌رسد معاشرت به شیوه‌الگویی، موجب تأثیرگذاری بر مخاطبان می‌شود. در شیوه‌الگویی، الگو می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اصولاً روش الگویی، از طریق گروه‌های مرجع به دست می‌آید. از آنجا که گروه‌های مرجع، به گروه‌های مثبت و منفی تقسیم می‌شوند، شیوه‌های تربیت الگویی هم به سه نوع الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی تقسیم می‌شوند. بنابراین، سازگار تأثیرگذاری معاشرت و هم‌نشینی به شیوه‌الگویی در منابع دینی، در سه دسته الگوپردازی، الگودهی و الگوزدایی به شرح زیر مطرح شده است:

الف. معاشرت و بازآموزی رفتارها به شیوه‌الگودهی و الگوپردازی

۱. الگودهی

مقصود از شیوه‌الگودهی، ارائه الگوهای مثبت و حقیقی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است. این شیوه خود می‌تواند به دو صورت ارائه شود:

الف) ارائه الگوی عملی از خویشتن: در این شیوه، باید رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خود متجلی کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کونوا دعاة للناس بغير السنتکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذلك داعية» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۲: ص ۸۳)؛ این شیوه عملی ارائه الگو با عمل و رفتار است؛

ب) ارائه الگوی عملی از دیگران: گاهی در شیوه‌الگویی باید افرادی را که جنبه الگو بودن دارند، به مخاطبان معرفی کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «به هدایت پیامبران اقتدا کنید؛ چرا که آن بهترین هدایت است و از سنت (و روش) او پیروی کنید که آن، هدایت کننده‌ترین سنت است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). قرآن کریم،



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را الگو معرفی کرده، می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...﴾ (احزاب، ۲۱). همچنین می‌فرماید: «به خدا اعتماد کنید که خدا بهترین و کیل است» (احزاب، ۳) و «ای مردم با کسانی که صادق هستند، همراه باشید» (توبه، ۱۱۹). در قرآن کریم، آیات دیگری نیز در این زمینه مطرح شده است:

- ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند (مائده، ۵۵)؛
- قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند (احزاب، ۲۱)؛
- [عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست (احزاب، ۵۹)؛
- قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با او بند سرمشقی نیکوست (ممتحنه، ۴).

۲. الگوپردازی

مقصود از این شیوه، ارائه الگوهای آرمانی، تخیلی و فرضی و به تعبیر ماکس وبر، تیپ ایدئال و نمونه آرمانی است. باید الگوهای مطلوبی را در نظر گرفت و به بیان توصیف ویژگی‌های آنها پرداخت.

اوصاف «اولوا الالباب»، «مفلحون»، «عباد الرحمن»، «مؤمنون»، «متقون»، «مهدون» و... در قرآن کریم از این نوع است.

قرآن کریم می‌فرماید: «مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردان‌اند و آنها که زکات می‌دهند و آنها که دامن خود را [از آلوده شدن به بی‌عفتی] حفظ می‌کنند، مگر بر همسران و کنیزانشان که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند.

کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند و آن‌ها که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌کنند؛ [آری] آن‌ها وارثان‌اند؛ وارثانی که بهشت برین را ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند» (مؤمنون، ۲۱).

همچنین می‌فرماید: «آن‌هایی که کتاب خدا را می‌خوانند، نماز به پا می‌دارند، انفاق می‌کنند، تجارتی با سود کرده‌اند» (فاطر، ۲۶) و نیز می‌فرماید: «و بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به ملایمت پاسخ می‌دهند» (فرقان، ۶۳).

در واکاوی این دو شیوه‌الگوی در منابع دینی باید گفت حضرت علی علیه السلام در روایتی، معاشرت و هم‌نشینی با نیکان را به گذر کردن نسیم بر اشیای خوشبو تشبیه کرده است که به هر حال، بوی خوش آن‌ها را با خود می‌برد: «صحة الاخيار تكسب الخير، كالريح اذا مرت بالطيب حملت طيبا؛ مصاحبت با نیکان به تحصیل نیکی می‌انجامد؛ چونان نسیم که هرگاه بر چیزهای خوشبو می‌گذرد، بوی خوشی را با خود می‌برد» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۹).

همچنین، پیامبر بزرگوار اسلام در روایتی به همین مضمون می‌فرماید: «مثل الجلیس الصالح مثل العطار اما ان یخذیک من عطره او یصیبک من ثوبه و مثل الجلیس السوء مثل القین، ان لم یحرق ثوبک اما یتنک او یوذیک ریحه؛ هم‌نشین خوب و صالح همچون عطر فروشی است که یا از عطرش به تو هدیه می‌دهد یا بویش را در جامه‌ات باقی می‌گذارد و هم‌نشین بد همانند آهنگر است؛ اگر جامه‌ات را نسوزاند یا بدبویت می‌کند یا با آن بو تو را می‌آزارد» (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ص ۲۲).

از منظر قرآن کریم، معاشرت و همدمی با همسر مایه آرامش است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾؛ و از نشانه‌های او آن است [از نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید» (روم، ۲۱).



در جای دیگر می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفریده و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد» (اعراف، ۱۸۹).

امام علی علیه السلام، در وصیت به فرزندشان محمدبن حنفیه، یکی از بهترین بهره‌های انسان در زندگی را داشتن هم‌نشین نیک دانسته، می‌فرماید: «من خیر حظ المرء قرین صالح؛ از بهترین بهره‌مندی‌های انسان، هم‌نشین نیک است» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ص ۳۸۵). امام باقر علیه السلام نیز معاشرت و هم‌نشینی با افراد مورد وثوق را قابل اعتمادتر از عبادت یک سال دانسته است: «لمجلس اجلسه الی من اثق به اوثق فی نفسی من عمل سنة؛ هم‌نشینی با کسی که به او اعتماد دارم، در نظر من، قابل اعتمادتر از اعمال [نیک] یک سال است» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۹). از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «اذا اراد الله بعید خیراً، جعل له وزیراً صالحاً ان نسی ذکرة و ان ذکر اعانه؛ هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد برای او یاور صالحی قرار می‌دهد که اگر او را فراموش کند، به یادش می‌آورد و آن‌گاه که به یاد اوست، یاریش می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ص ۱۶۶).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خمس خصال من فقد واحده منهن لم یزل ناقص الفیش، زائل العقل، مشغول القلب... الرابعة الانیس الموافق...؛ پنج چیز است که هر یک از آن‌ها را از دست بدهد، پیوسته زندگی ناقصی دارد؛ عقلش زوال می‌پذیرد و همواره دل مشغول است... چهارمین آن‌ها همدم و یار همراه است» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۹).

ایشان فرمود: «لکل شیء شیء یستریح الیه و ان المؤمن یستریح الی اخیه المؤمن؛ هر موجود، چیزی دارد که در کنارش آسایش می‌یابد و همانا مؤمن در کنار برادر مؤمن خود می‌آساید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱: صص ۲۳۴ و ۲۳۷).

همچنین امام صادق علیه السلام کسی را که انسان در راه خدا با او پیوند برادری ببندد، خیری برای دو جهان و یکی از بهره‌مندی‌های کامل انسان در دنیا می‌داند. ایشان





خاطر نشان می کند که خداوند، نعمتی بالاتر از هم نشینی با پرهیزگاران، برای بندگان خود قرار نداده و هم نشینی در راه خدا از بزرگ ترین، نکوترین، پاکیزه ترین و ارزشمندترین نعمت ها در دو جهان است:

ثلاثة اشياء في كل زمان عزيزة الاخ في الله و الزوجة الصالح الاليفة في دين الله و الولد الرشيد و من اصاب احد الثلاثة فقد اصاب خير الدارين و الحظ الاوفر من الدنيا... و اطلب مؤاخاة الاتقياء و لو في ظلمات الارض و ان افيت عمرک في طلبهم فإن الله عزوجل لم يخل على وجه الارض افضل منهم بعد الانبياء و الاولياء و ما انعم الله على العبد بمثل ما انعم به من التوفيق بصحبتهم... الا يرى ان اول كرامة اكرم الله بها انبياء عند اظهار دعوتهم صديق امين او ولي و كذلك من اجل ما اكرم الله به اصدقائه و اوليائه صحبة انبيائه و هو دليل على ان ما في الدارين نعمة اجل و اطيب و ازکی و اولی من الصحبة فی الله و المؤاخاة لوجهه؛ در هر زمان سه چیز پرارزش است: برادر در راه حق؛ همسر شایسته که در راه دین خدا، مونس و یار باشد؛ فرزند راه یافته و رستگار. هر کس به یکی از این سه دست یابد، به خیر دو جهان و افزون ترین بهره دنیا دست یافته است... برادری با پرهیزگاران را طلب کن، هر چند در تاریکی های زمین باشد و هر چند عمرت را در جستجوی آنان به پایان ببری؛ زیرا واقعیت آن است که خداوند عزوجل پس از پیامبران و اولیا، کسی را روی زمین، برتر از آنان نیافریده است و نعمتی را مانند توفیق هم صحبتی با ایشان به بندگان نداده است... آیا نمی بینی نخستین کرامتی که خداوند، پیامبران خود را هنگام آشکار ساختن دعوتشان با آن نواخته، دوستی یکدل و امین یا دوست داری مددکاری است؟ همچنین، یکی از پراح ترین کرامت هایی که خداوند به صدیقان و اولیا و امینان خود عطا کرده، مصاحبت با پیامبران اوست. این دلیلی بر آن است که در دو جهان، نعمتی پراح تر، نیکوتر، پاک تر و بالاتر از هم صحبتی در راه خدا و برادری برای او نیست» (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ص ۱۵۰).

امام علی علیه السلام به معاشرت و هم نشینی با خوبان و افراد عاقل توصیه می کند که

موجب حیات روح خواهد شد: «صحبة الولی اللیب حیاة الروح؛ همنشینی با دوست عاقل، روح را زنده می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۹).

براساس آنچه گذشت، طبق آموزه‌های دینی بر نقش معاشرت به شیوه‌الگویی در انتقال ارزش‌های اخلاقی و بازآموزی رفتارهای اجتماعی، بسیار تأکید شده است.

ب. معاشرت و بازآموزی رفتارها به شیوه‌الگوذایی

۳. الگوذایی

الگوذایی به این معناست که الگوها و شخصیت‌های منفی چنان ترسیم شوند که نوعی دل‌زدگی و نگرشی منفی به آن‌ها پدید آید. باید با معرفی الگوهای منفی و توصیف عواقب سوء پیروی از آن‌ها، نوعی نگرش مثبت در جهت عکس در افراد ایجاد کرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «واعلموا انکم لن تعرفوا الرشد حتی تعرفوا الذی ترکه و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه... و لن تعرفوا الضلالة حتی تعرفوا الهدی و لن تعرفوا التقوی حتی تعرفوا الذی تعدی...؛ بدانید که هیچ‌گاه رستگاری را نخواهید شناخت مگر آنکه واگذارنده آن را بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر اینکه پیمان‌شکنان آن را بشناسید... و هیچ‌گاه گمراهی را نخواهید شناخت مگر آنکه هدایت را بشناسید و هرگز پرهیزگاری را نشناسید مگر آنکه متجاوز (از مرز تقوا) را بشناسید...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷: ص ۳۶۷). قرآن کریم می‌فرماید:

- «مراقب گمراهان باشید که گمراهتان می‌کنند» (صافات، ۳۲)؛

- «ای زنان، با ناز و عشوه حرف نزنید که بیمار دلان در شما طمع خواهند کرد»

(احزاب، ۳۲)؛

- «کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، راه دروغ‌گویی را پیش می‌گیرند»

(نحل، ۱۰۵)؛





- «همیشه راهی که اکثریت رفته‌اند، مسیر هدایت نیست» (انعام، ۱۱۶)؛

- «ای مردم از... گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و [وامی دارد] تا بر خدا چیزی را که نمی‌دانید بر بندید و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم درخور پیروی هستند؟]» (بقره، ۱۶۷-۱۷۰)؛

- «با زنان مشرک ازدواج نکنید» (بقره، ۲۲۱)؛

- «و چون کار زشتی کنند، می‌گویند: پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟» (اعراف، ۲۸)؛

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هر کس از شما آن‌ها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید» (مائده، ۵۱).

بنابراین، در منطق قرآن، معاشرت و هم‌نشینی نقش مهمی در انحراف افراد از مسیر حق دارد. قرآن توجیه کسانی که دچار انحراف شده و مسیر ناهموار انحرافی را به دلیل انتخاب دوستان و هم‌نشینان بد برگزیده‌اند، بر نمی‌تابد؛ زیرا انسان، آزاد و مختار خلق شده و باید مسئولیت عواقب رفتار خویش را بپذیرد. این‌گونه انحرافات ناشی از ضعف اراده افراد است.

قرآن کریم، به‌روشنی از تأثیر معاشرت با هم‌نشینان در استمرار و افزایش کج‌روی سخن گفته است. شیطان‌های انس و جن (هم‌سازان) خود و کسانی را که با آن‌ها پیوند برادری و دوستی دارند، در گمراهی فرو می‌برند و از این کار باز نمی‌ایستند: ﴿وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ﴾؛ و یارانشان آنان را به گمراهی می‌کشاند و کوتاهی نمی‌کنند» (اعراف، ۲۰۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳،

ص ۶۷ و ۶۸) و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾؛ و مردانی از آدمیان بودند که به مردانی از جن پناه می‌بردند و [جنیان] بر سرکشی آن‌ها می‌افزودند» (جن، ۶).

همچنین، به فرموده امیرمؤمنان علیه السلام، همراه‌شدن با یار و رفیق ناباب، عامل ناگوارشدن زندگی، عذاب روحی و حتی گداخته‌شدن جسم خواهد شد: «لم یهنا العیش من قارون الضد؛ آن‌که با ضد خویش هم‌نشین است، زندگی گوارایی ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۳۳). همچنین می‌فرماید: «من قارون ضده، کشف عیبه و عذب قلبه؛ آن‌که با مخالفش هم‌نشین است، عیبش آشکار و دلش معذب می‌شود».

از این رو، رهبران دینی، ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار باز می‌دارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دل‌مردگی را ناشی از هم‌نشینی با مردگان می‌داند و دل‌مردگان را افرادی منحرف از راه راست و ایمان به خدا و نیز توانگران خوش‌گذران معرفی می‌کند (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۲۲).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مجالسة اهل الهوی منسأة للایمان و محضرة للشیطان؛ معاشرت و هم‌نشینی با هواپرستان، ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لاتصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصيروا عند الناس کواحد منهم؛ با افراد منحرف هم‌نشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا هم‌نشینی با آن‌ها موجب می‌شود مردم شما را یکی از آن‌ها به شمار آورند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۳۷۵). همچنین می‌فرماید: «من یصحب السوء لایسلم؛ آن‌که با همنشین بد، هم‌نشین شود، سالم نمی‌ماند» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۶۹).

اصولاً در آموزه‌های دینی بر تأثیرگذاری معاشرت در انتقال رذایل اخلاقی تأکید شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ





بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي...»؛ [به خاطر آر] روزی را که ستمکار دست خود را به دندان می‌گزد [و] می‌گوید: کاش با پیامبر راهی برگرفته بودم! وای بر من، کاش فلانی را دوست نگرفته بودم! او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت، پس از آنکه به سراغ من آمده بود...» (فرقان، ۲۷-۲۹).

یکی از یاران امام صادق علیه السلام، به نام حمران بن اعین، به ایشان گفت: «هرگاه خدمت شما شرفیاب می‌شویم، دل‌هایمان رقت و خاطرهایمان از غم‌ها و دلتنگی‌های دنیایی آسایش می‌یابند و آنچه از متاع دنیا در دست مردم است، ناچیز می‌بینیم؛ اما آن‌گاه که از حضورتان بیرون می‌رویم و با مردمان و تاجران هم‌نشین می‌شویم، دنیا در نظرمان محبوب می‌شود». پس از سر آن پرسید. امام علیه السلام به پرسش مشابه یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه این دگرگونی حالات موجب نگرانی ایشان نیز شده بود، اشاره کرد و سپس از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امکان تغییر حالات روحی را امری تقدیر شده برای انسان شمرد و افزود: «این وضعیت از اموری است که مؤمنان پیوسته با آن آزموده می‌شوند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۴۲۳-۴۲۴). پیامبر گرامی اسلام، معاشرت و هم‌نشینی با بدان را وحشت‌بارترین تنهایی‌ها نامیده است: «اوحش الواحشة قرین السوء؛ دهشتناک‌ترین تنهایی‌ها، هم‌نشینی بد است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱: ص ۱۶۶).

در شماری از روایات نیز افراد از معاشرت با دنیاطلبان، اغنیا یا پادشاهان برحذر داشته شده‌اند؛ زیرا این امر موجب کفران نعمات الهی خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لا تجالس الاغنیاء فان العبد یجالسهم و هو یری ان لله علیه نعمة فما یقوم حتی یری ان لیس لله علیه نعمة»؛ با ثروتمندان هم‌نشینی مکن؛ زیرا واقعیت این است که فرد در حالی با آنان هم‌نشین می‌شود که معتقد است خداوند نعمت‌هایی را بدو عطا کرده است؛ اما هنوز مجلس (هم‌نشینی با آنان) را ترک نکرده، می‌پندارد که خدا نعمتی به او نداده است» (صدوق، ۱۳۶۴، ص ۲۵۳).

طبق برخی از روایات، معاشرت با بدان موجبات سوءظن به اخیار و خوبان را

فراهم می‌آورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مجالسة الاشرار تورث السوء ظن بالاخيار؛ هم‌نشینی با بدان، بدگمانی از نیکان را در پی دارد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱: ص ۱۹۲).

افزون بر این، امام صادق علیه السلام رفت‌وآمد با افراد رذل و پست را موجب حقارت و معاشرت با بزرگواران را موجب بزرگی می‌داند: «من داخل السفهاء حقر و من خالط العلماء وقر و من دخل مداخل السوء اثمهم؛ آن‌که با نادانان آمدوشد کند، حقیرش می‌شمرند، آن‌که با دانشمندان درآمیزد، بزرگش می‌دارند و آن‌که در مکان‌های ناشایست وارد گردد، متهم می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵: ص ۲۰۲).

علاوه بر این، پژوهش‌های میدانی مؤید این فرایند تأثیرگذاری معاشرت است. در پژوهشی، ۵۰ درصد بزهکاران و سارقان اظهار کردند پلیس، دوستانشان را دستگیر کرده است.

حدود ۴۷ درصد از آنان نیز گفتند دوستانشان نوعاً افراد خلافکار بوده‌اند. ۸۷/۵ درصد از آنان اظهار کردند دوستان ناباب نقش زیادی در سارق شدنشان داشته‌اند. ۵۳ درصد نیز گفتند به خاطر جلب توجه دوستانشان به سرقت دست زده‌اند (فولادی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳).

بنابراین، با واکاوی منابع و آموزه‌های دینی درمی‌یابیم هر سه شیوه روش الگویی (الگوپردازی، الگودهی و الگوزدایی) در این منابع مطرح شده و انعکاس یافته‌اند و افراد در پرتو معاشرت به شیوه الگویی، رفتارهای خود را به دیگران منتقل می‌کنند.

دیگران نیز از طریق شیوه الگویی، ارزش‌های اخلاقی و رفتارهای اجتماعی آنان را یاد گرفته، براساس آن عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، در منابع دینی، هم به نقش الگوهای مثبت در کسب فضایل اخلاقی و رفتارهای اجتماعی و هدایت و سعادت افراد توجه شده است و هم به الگوهای منفی و کسب رذایل اخلاقی و انحراف افراد از هنجارهای مقبول جامعه.





نتیجه گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می آید:

۱. هر جامعه‌ای دارای نظم اجتماعی، مقررات و هنجارهایی است که افراد جامعه برای حفظ حیات اجتماعی و پویایی جامعه و نیز نیل به سعادت باید بدان پایبند باشند. این فرایند، هم‌نوایی و تبعیت از قوانین و هنجارهای اجتماعی است. بنابراین، هم‌نوایی و سازگاری و نیز هدایت و سعادت افراد یک جامعه، در گرو پایبندی آنان به ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است؛
۲. برای پویایی جامعه و تثبیت هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن باید این قواعد رفتاری به دیگران منتقل شود. در واکاوی عوامل بازآموزی رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت افراد، عوامل مرتبط با خانواده و معاشرت و هم‌نشینی با دوستان و دوست‌یابی، بیشترین تأثیر را در این زمینه دارد. در بین عوامل خانوادگی، نوع معاشرت، رابطه و تعامل و نظارت والدین و در بین عوامل اجتماعی، معاشرت با دوستان و هم‌سالان به‌عنوان عوامل عمده در این زمینه مطرح است؛
۳. برای تبیین بازآموزی رفتارهای اجتماعی و انتقال ارزش‌های اخلاقی، معاشرت با گروه مرجع و هم‌سالان، نقش بسزایی دارد. این گروه، الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، رفتار و اندیشیدن هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و هم‌سالانش باشد و با آنها ارتباط و معاشرت داشته باشد، از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان ناگزیر است. در غیر این صورت، مطرود آن جمع می‌شود. پس از خانواده، نقش معاشرت با گروه هم‌سالان، هم‌فکران و هم‌نشینان بی‌بدیل است؛
۴. افراد ممکن است با دوستان و هم‌نشینان کج‌رو یا راست‌رو معاشرت داشته باشند؛ اما اینکه کدام‌یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می‌کنند و بر افراد تأثیر می‌گذارند به شدت تماس، سن زمان تماس و میزان تماس افراد با آنان وابسته است؛ از این‌رو، نظریه اقترازی ساترلند و کرسی به‌عنوان چارچوب تحلیلی مبحث انتخاب گردید. این نظریه عمدتاً بر یادگیری رفتارهای نابهنجار و کج‌روانه تأکید دارد؛

۵. در معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، معاشرت، نقش مهمی در زندگی افراد دارد. همچنان که معاشرت با الگوها و هم‌نشینان بد، انسان را به هلاکت می‌اندازد و از مسیر سعادت دور می‌کند، معاشرت با الگوهای شایسته و مثبت موجب بازآموزی رفتارهای اجتماعی، ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، کمال، سعادت و هدایت افراد می‌شود؛ از این رو، در اسلام بر ارائه الگوهای عملی و نظارت والدین بر دوست‌یابی و معاشرت فرزندان تأکید شده است؛

۶. شیوه‌الگویی، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های یادگیری و انتقال رفتار است. در شیوه‌الگویی، الگو ممکن است مثبت یا منفی باشد. اصولاً روش الگویی، از طریق گروه‌های مرجع به دست می‌آید. گروه‌های مرجع، به گروه‌های مثبت و منفی تقسیم می‌شوند و شیوه‌ تربیت الگویی هم در سه نوع الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی دسته‌بندی می‌شود؛ بنابراین، سازکار تأثیرگذاری هم‌نشینی به شیوه‌الگویی در منابع دینی، در این سه سطح است؛

۷. در آموزه‌های دینی، برخلاف نظریه‌ساترلند و کرسی که بر انتقال رفتارهای نابهنجار از طریق دوستان کج‌رو تأکید شده است، به نقش معاشرت و هم‌نشینی در بازآموزی رفتارهای اجتماعی، ارزش‌ها و فضایل اخلاقی نیز توجه شده و در کنار الگوزدایی و توصیه به اجتناب از معاشرت با دوستان ناباب، بر ارائه الگوهای ناب و الگوپردازی و الگودهی نیز تأکید شده است؛

۸. در تربیت دینی، الگوپردازی و الگودهی، پرکاربرد و به شیوه‌ایجایی است، اما الگوزدایی، به شیوه‌سلبی است. در شیوه‌ایجایی، اصل بر «آماده‌سازی و رغبت‌انگیزی» است و با بیان ویژگی‌های مثبت الگوها، نوعی جذب، انجذاب و دل‌دادگی در فرد ایجاد می‌شود؛ اما در شیوه‌سلبی، بر استکشاف درون‌مایه‌های مخاطب از طریق پیرایش و زدایش موانع راه‌رشد (با هدف شکوفاسازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهفته درونی فرد) تأکید و با بیان ویژگی‌های منفی الگوها، نوعی دل‌زدگی در او ایجاد می‌شود. این شیوه از تربیت اجتماعی و اخلاقی، با سازکار معاشرت با دیگران، موجب بازآموزی رفتارهای اجتماعی می‌شود.





کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. امام صادق علیه السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۷۱)، «تربیت با روش الگویی»، پیوند، ش ۱۶۱، ص ۱۸-۲۵.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۰۸ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. خدادادی سنگده، جواد، خدابخش احمدی، علی محمد نظری (۱۳۹۱)، «رانندگی پرخطر: مدل تعاملی نقش والدینی و هم‌نشینی با هم‌سالان منحرف در نوجوانان خانواده‌های نظامی»، روان‌شناسی نظامی، س ۳، ش ۱۲، زمستان، ص ۶۱-۷۰.
۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (بی‌تا)، جامعه‌شناسی روش‌های درمان گروه (جزوه)، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۸. راوک، امیر (۱۴۰۰)، «بررسی اثربخشی روش الگویی در تربیت دینی جوانان از منظر قرآن و حدیث»، پژوهش و مطالعات اسلامی، س ۳، ش ۲۹، ص ۷۲-۸۳.
۹. سخاوت، جعفر (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، چ ۴، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۰. سلیمی، علی و دیگران (۱۳۸۸)، هم‌نشینی و کج‌روی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۰)، روان‌شناسی پرورشی، تهران: آگاه.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۴)، الامالی، چ ۴، قم: انتشارات کتابخانه اسلامیة.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۳ق)، الخصال، چ ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۱۴. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، تصحیح و تطبیق شیخ محمود بروجردی، قم: شریف رضی.
۱۵. فولادی، محمد (۱۳۸۲)، بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۵۰)، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۹. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴)، ارتباط‌شناسی، ج ۶، تهران: سروش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، ترجمه قرآن، ج ۲، قم: دار القرآن الکریم.
۲۱. مهدیان فر، رضا (۱۴۰۱)، «شیوه‌الگوزدایی از چهره‌های منفی در تربیت از نگاه قرآن»، قرآن و علم، پاییز و زمستان، ش ۳۱، ص ۵۸-۷۵.
۲۲. نوری طبرسی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
۲۳. هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مدرسة الرسالة.
۲۴. وایت، رابرت و فیونا هینز (۱۳۸۵)، مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی (کتاب دوم): جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. ولد، جرم و دیگران (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری: مروری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.
۲۶. یان، رابرتسون (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.



(2001). “Parental monitoring: Association with adolescents’ risk behaviors”. *Pediatrics*, 107(6), p. 1363-1368.

28. Han, Y., Grogan-Kaylor, A., Bares, C., Ma, J., Castillo, M. & Delva, J. (2012). “Relationship between discordance in parental monitoring and behavioral problems among Chilean adolescents”. *Children and Youth Services Review*, 34, p.783–789.



References

١. *The Holy Quran*.
٢. *Nahj al-Balagha*, translated by Mohammad Dashti.
٣. Amini, Ebrahim (١٩٩٢). "Education with Model Method". *Peyvand*, No. ١٦١, p. ١٨-٢٥.
٤. Cooperation office of the field and university (n. d). *sociology of group therapy methods (booklet)*. Qom: cooperation office of the field and university.
٥. DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R., Sionean, C., Cobb B. K., Harington, K., Davies, S., Hook, E. W. & Oh M. K. (٢٠٠١). "Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors". *Pediatrics*, ١٠٧(٦), p. ١٣٦٣-١٣٦٨.
٦. Foladi, Mohammad (٢٠٠٣). *Investigation of the amount and socio-economic factors related to theft among the youth of Qom*. Qom: Management and Planning Organization.
٧. Han, Y., Grogan-Kaylor, A., Bares, C., Ma, J., Castillo, M. & Delva, J. (٢٠١٢). "Relationship between discordance in parental monitoring and behavioral problems among Chilean adolescents". *Children and Youth Services Review*, ٣٤, p. ٧٨٢-٧٨٩.
٨. Hendi, Hessem al-Din (١٤٠٩ AH). *Kanza al-Umal fi Sunan al-Aqwal va al-Afal*. Beirut: al-Rasalah School.
٩. Imam Sadiq (١٩٩٨). *Misbah al-Sharia*. Beirut: al-Alami Institute Lelmatbuat.
١٠. Khodadadi Sengdeh, Javad, Khodabakhsh Ahmadi, Ali Mohammad Nazari (٢٠٠٣). "Risky driving: an interactive model of parental role and association with deviant peers in teenagers from military families". *Military Psychology*, ٣th year, No. ١٢, winter, p. ٦١-٧٠.
١١. Koleini Razi, Muhammad bin Yaqoob (١٩٨٦). *al-Kafi*. Edition. ٤. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
١٢. Koleini, Mohammad bin Yaqub (١٩٩٤). *Usul Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
١٣. Majlesi, Mohammad Baqir (١٤٠٤ AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: al-Wafa Institute.
١٤. Makarem Shirazi, Nasser (١٩٩٤). *Translation of the Qur'an*. Edition ٢. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim.
١٥. Mehdiannar, Reza (٢٠٢٢). "The method of de-patterning negative figures in education from the perspective of the Qur'an". *Qur'an and Science*, Autumn and Winter, Vol. ٣١, p. ٥٨-٧٥.
١٦. Mohsenian Rad, Mahdi (٢٠٠٥). *Communication*. ٣th Edition. Tehran: Soroush.
١٧. Nouri Tabarsi (١٤٠٨ AH). *Mustadrak al-Wasa'el wa Mustanbat al-Masa'el*. Qom: Al al-Bayt Le Ehia al-Torath Institute.
١٨. Ravak, Amir (٢٠٢١). "Examining the effectiveness of the model method in the religious education of young people from the perspective of Quran and Hadith". *Islamic Research and Studies*, third year, No. ٢٩, p. ٧٢-٨٣.
١٩. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Babawieh Qomi (١٩٨٥). *al-Amali*. Edition ٤. Qom: Islamic Library Publications.
٢٠. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Hossein bin Babawieh Qomi (١٤٠٣ AH). *al-Khesal*. second Edition. Qom: Jamia Modaresin Publications.
٢١. Saif, Ali Akbar (١٩٩١). *Educational Psychology*. Tehran: Aghah.
٢٢. Sakhawat, Jafar (١٩٩٧). *sociologist of social deviations*, Edition ٤. Tehran: Payam Noor University.
٢٣. Salimi, Ali and others (٢٠١٨). *Companionship and deviance*. Qom: Hozha and University Research Institute.
٢٤. Tabarsi, Hassan bin Fazl (١٤١٢ AH). *Makaram al-Akhlaq*. correction and adaptation by Sheikh Mahmoud Borujerdi. Qom: Sharif Razi Publishing House.
٢٥. Tamimi Amedi, Abdul Wahid bin Muhammad (١٤٠٨ AH). *Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalem*. Qom: Islamic Propaganda Office.
٢٦. Voled, Crime and others (٢٠١٩). *theoretical criminology: a review of criminological theories*. translated by Ali Shojaei, Tehran: SAMT.
٢٧. White, Robert and Fiona Haines (٢٠١٥). *Deviance and Social Control Collection (Second book): Crime and Criminology*. translated by Ali Salimi. Qom: Hozha and University Research Institute.
٢٨. Yan, Robertson (١٩٩٣). *An introduction to society*. translated by Hossein Behravan. Mashhad: Astan Quds Razavi.